



حاج حسین محبوب مقدم نامی ماندگار با چهل سال تلاش صادقانه

پدر بود و یک شهر، چه فرقی می کند تربت حیدریه باشد یا هر نقطه از ایران زمین. روستای جعفرآباد را برای کشاورزی برگزیده بود و چهل سال دل به کار داد تا به سهم خود خاک را به هنر کیمیا کند. پسته های خندان و لبخندهای بی پایانش به وقت حاصلخیزی زمین و فصل برداشت محصول، توصیف ناپذیر بود. انگار پدری شاهد ذره ذره رشد فرزندان می باشد. نهال هایی که امروز که یک سال از هجر و پروازش می گذرد به بار نشسته اند و ما و مردم قدرشناس و زمین ها و درختان و تربت پاکی که دلتنگ اویم. چه باید گفت، چه می توان کرد. وقتی تقدیر اینگونه رقم خورده است که پدران ما بکارند ما برداشت کنیم پس ما هم خواهیم کاشت تا فرزندان و آیندگانمان برداشت کنند. این قصه تلخ و شیرین زندگی است و بر آن گریزی نیست و باید راضی بود به رضای خداوند. مهم آن است که با رفتن ما نامی نیک از ما به جای بماند تا فرزندانمان سربلند باشند و سرافراز. همانطور که من، مهدی محبوب مقدم، از همان سال های دور و تا امروز که سایه پدر را بر سر ندارم، تا همیشه وام دار نام بلند پدر هستم و به این نام می بالم. چه خوب است تا مادامی که شاهد حضور سراسر خیر و برکت و گرم پدرها و مادرهایمان هستیم، قدردان آنها باشیم و مهربانی ها و شادی هایمان را با آنها تقسیم کنیم که شاید فردا دیگر دیر باشد.

